



حدیث روز

امام حسن علیه السلام:

–لرجل جاء إليه يستشيرُهُ في تزويج ابنتِهِ –زَوَّجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحْبَبَهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا.

–به مردی که با ایشان درباره ازدواج دختر خود مشورت کرد سفرومد: او را به مردی باتقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرمای اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی کند.

فرش قرمز ماهواره‌ها برای کالای فرهنگی /مسیر اصلی مسدود است



فرضیه خوش‌بینانه که حجم قابل توجهی از این تبلیغات به صورت رایگان و بدون اجاره صاحبان اثر پخش می‌شود تا جذب مخاطب کنند، چندان بی‌ربط نباشد. اما نباید از نظر دور داشت که پخش این تبلیغات اگرچه ممکن است، در وهله نخست و یا حداقل فعلاً منجر به خروج ارز از کشور نشود، اما نگاهی به پرروش‌های سال‌های اخیر سینمای ایران و بازار کتاب نشان می‌دهد که چه میزان بر سلیقه مخاطب ایرانی اثرگذار بوده است. از سوی دیگر وقتی تولیدکننده کالای فرهنگی ایرانی تاثیر تبلیغات را بر فروش محصول بدیدانه نگاهی است که سال گذشته برخی کارشناسان حوزه سینما و کارگردان داشتند

و آن خروج یک و نیم میلیارد دلار ارز از کشور برای تبلیغات فیلم‌های سینمایی در شبکه‌های ماهورای است. در حال اول، اگر پای تبلیغات شبکه‌های ماهورای بنشینیم، خواهیم داد که زمان طولانی گاهی تا ۴۵ دقیقه در میان حجم تبلیغ انواع محصولات غیر کاربردی از جمله شامپوی ضدریزش مو و کرم‌های جوان‌ساز تبلیغات متعددی از فیلم‌های سینمایی و کتاب‌های ناشران پخش می‌شود، به نظر می‌رسد این

همان سال‌ها بود که تبلیغات چند ناشر معتبر داخلی که در حوزه کودک و نوجوان حساسی سر و صدا به راه انداخته بودند، نیز از شبکه‌های ماهورای پخش شد، تبلیغ کتاب از شبکه‌های ماهورای در سال‌هایی بود که

قصد برغضه تبلیغ کتاب از رسانه ملی سر زبان‌ها بود و قرار بود، ماجرای تبلیغ کتاب در رسانه‌ملی به صورت جدی دنبال شود. مرکز رسانه‌ای شیراز در مجمع ناشران انقلاب اسلامی در آن سال‌ها توانست با رایزنی به معاونت بازرگانی سیما به شکل‌دادن کمیته‌ای با عنوان کتاب در رسانه ملی بپردازد، هر چند تبلیغ کتاب در رسانه ملی هیچ‌گاه نتوانست آنچنان که باید و شاید جایگاه خود را پیدا کند، اما در دهه ۹۰ حرکت‌هایی آغازین در

این زمینه انجام شد. با وجود همه ممنوعیت‌ها و پیگیری‌های نسبی در دوره‌های مختلف، تبلیغات کالاهای فرهنگی در شبکه‌های ماهورای روزبه‌روز گسترده می‌شود، اما این تبلیغات چگونه سر از شبکه‌های ماهورای در می‌آورند؟

برای پاسخ به این پرسش دو حال وجود دارد، نگاه خوشبینانه آن است که مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه سینما می‌گویند و آن این است که این تیزرها بدون اجازه صاحبان اثر و بدون دریافت وجه از این شبکه‌ها پخش می‌شود تا شبکه‌های ماهورای مخاطب خود را افزایش دهند و حالت بدبینانه نگاهی است که سال گذشته برخی کارشناسان حوزه سینما و

و آن خروج یک و نیم میلیارد دلار ارز از کشور برای تبلیغات فیلم‌های سینمایی در شبکه‌های ماهورای است.

در حال اول، اگر پای تبلیغات شبکه‌های ماهورای بنشینیم، خواهیم داد که زمان طولانی گاهی تا ۴۵ دقیقه در میان حجم تبلیغ انواع محصولات غیر کاربردی از جمله شامپوی ضدریزش مو و کرم‌های جوان‌ساز تبلیغات متعددی از فیلم‌های سینمایی و کتاب‌های ناشران پخش می‌شود، به نظر می‌رسد این

در حالیکه شبکه‌های ماهورای برای تبلیغ کالاهای فرهنگی ایران فرض قرمز بهین کرده‌اند، دست صاحبان این کالاهای تبلیغات شهری و رسانه ملی به دلایل مختلف کوتاه است.

این روزها اگر شبکه‌های ماهورای را رصد کنیم، متوجه حجم عظیمی از تبلیغات فیلم‌های سینمایی در حال اکران ایرانی، کتاب‌های ناشران داخلی و محصولات شرکت‌ها و برندهای داخل ایران در این شبکه‌ها می‌شوید، با وجود اینکه طی چند سال گذشته بارها مسئولان در دوره‌های متفاوت از برخورد با عاملان اینگونه تبلیغات سخن گفته‌اند، اما وسعت تبلیغات کالاهای فرهنگی ایرانی در شبکه‌های ماهورای روزبه‌روز گسترده شده است.

سابقه پخش تبلیغات کالاهای فرهنگی به ویژه فیلم‌های سینمایی در ماهواره، به دهه ۹۰ بازمی‌گردد؛ پخش تیزر فیلم‌های ایرانی در شبکه‌های ماهورای در آن سال‌ها جنجال‌هایی آفرید که منجر به توقیف دو فیلم «االله نمی‌کنیم» و «۵۰۰ کیلو آبالو» نیز شد.

اولین مورد، مربوط به پخش‌کننده فیلم «استراحت مطلق» در سال ۹۳ بود که توانست فروش فیلم را به بالای یک میلیارد برساند. پس از اینکه تبلیغات دو فیلم دیگر ذکر شده در بالا جنجال آفرید، سازمان سینمایی و قوه قضاییه ورود کردند و با دستور دادستانی، اکران فیلم برای مدتی متوقف و پخش تیزرها از شبکه جیم قطع شد.

پس از این اتفاق، نواح‌آبادی سخنگوی وقت وزارت فرهنگ و ارشاد به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: «هیچ‌گونه ارتباط رسمی بین دستگاه‌های دولتی با شبکه‌های ماهورای وجود ندارد و هنرمندانی که آثارشان مجوز دستگاه فرهنگی کشور را دارد، حق تبلیغ در شبکه‌های ماهورای را ندارند و اگر به این کار مبادرت کنند با آنها برخورد می‌شود.» اما این ماجرا از نوروز سال ۹۵ دوباره با پخش تیزر فیلم‌های سینمایی ادامه پیدا کرد، در

واکنش تهیه‌کننده؛ از تغییر نام سریال تا عدم پخش در پلتفرم!

املا میلاد حاجی‌پروانه در مقام تهیه‌کننده سریال «آخرین دیدار» با نام قبلی «تنها گریه نکن» به چند شائبه پاسخ داد و نکاتی هم مطرح کرد که خوانند آن خالی از لطف نیست.

چند قسمتی است «تنها گریه کن» به شبکه افق آمده است. همان سریالی که از نظر ساختار تاریخی شباهت‌هایی با «سرزمین مادری» دارد. روایت این سریال درباره سرنوشت یک خانواده در سه مقطع تاریخی مختلف است. قصه با محوریت زندگی یک خانواده پیش می‌رود که درگیر اتفاقات مختلف می‌شوند و از زاویه نگاه اعضای این خانواده بخشی از تاریخ معاصر روایت می‌شود.

«تنها گریه کن» زندگی پر فراز و نشیب مادر شهید محمد معماریان(سرکار خانم اشرف سادات منتظری) را به تصویر می‌کشد. روایت دختری که از ابتدای زندگی پای دار قلبی نداشته است کمر اقتصادی خانواده خم نشود و معیارش برای انتخاب همسر، مؤمن و نماز شب‌خوان بودن او بوده است. حماسه زنی که پیش از انقلاب، تلاش‌های بسیاری برای پیروزی انقلاب انجام داده و در دوران جنگ تحمیلی، همه چیزش را فنا کرده است، حتی پاره تنش، محمد معماریان را. اولاً این مجموعه که در خیره‌ای رسمی اولیه و همچنین مراسم رونمایی، با عنوان «تنها گریه کن» به مخاطب معرفی شده بود، به هنگام پخش قسمت اول با نام «آخرین دیدار» روی آنتن رفت.

تألیف ضمن اینکه «آخرین دیدار» («تنها گریه کن» اگرچه قرار بود هم‌زمان با شبکه افق سیما در پلتفرم‌های املاوا و روبیکا به انتشار برسد و به عنوان نخستین همکاری رسانه ملی با این دو پلتفرم معرفی شده بود که در نهایت قسمت اول در پلتفرم نمواوا منتشر نشد و تنها در پلتفرم روبیکا در دسترس قرار گرفت. ضمن اینکه به هنگام انتشار در روبیکا، برخلاف معمول، لوگوی نمواوا در کنار نام این اثر دیده نمی‌شد و این گونه به نظر می‌رسد که پخش سریال «آخرین دیدار» در پلتفرم نمواوا به کلی لغو شده است.



این سوژه را انتخاب کرده است، تأکید کرد: ما قصد داشتیم تصویری جدید از زنان در جامعه

به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی نشان دهیم. این پروژه می‌خواست یک زن کنشگر را که تأثیرات مثبتی در جامعه می‌گذارد، به‌طور واقعی و درست به نمایش بگذارد.

وی همچنین در خصوص کیفیت تولید در تلویزیون و پلتفرم‌ها گفت: یکی از مهم‌ترین مسائل بین صداوسیما و پلتفرم‌ها، کیفیت تولید است. اگر اثری با کیفیت بالا تولید شود، فارغ از موضوعات آن، همیشه مخاطب خود را خواهد داشت. پلتفرم‌ها هیچ مشکلی با موضوعات ارزشی و دفاع مقدسی ندارند، و تنها مسئله‌ای که مهم است، کیفیت تولید و زیبایی‌شناسی آن است.

حاجی‌پروانه در ادامه تصریح کرد: اختلاف‌های زیبایی‌شناسی در سازمان صداوسیما و پلتفرم‌ها کمتر شده است، چرا که هر دو طرف به این نتیجه رسیدند که کیفیت اثر است که می‌تواند به موفقیت آن کمک کند. وی خاطرنشان کرد: نکته‌ای که شاید لازم به گفتن آن هست؛ همکاری ساترا و روبیکا بود. قطعاً اگر این امر محقق نمی‌شد کار پیش نمی‌رفت حداقل پخش آن در تلویزیون

توصیه نادر طالب‌زاده به یک عکاس جنگی

راهنمایی‌هایش در ورود به دنیای عکاسی جنگی، اظهار داشت: سوژه‌های این مستند ظرفیت تبدیل به یک اثر سینمایی را دارند. طالب‌زاده همیشه به ما توصیه می‌کرد که از ایران بیرون برویم و دنیای خود را وسیع‌تر کنیم.

وی همچنین به تجربه خود در جنگ ۳۳ روزه اشاره کرد و افزود: این اولین تجربه برون‌مرزی و جنگی من بود. گمان می‌کردم پیگیری‌های من در این زمینه ادامه پیدا نخواهد کرد، اما زندگی من با جنگ در زندگی مسلمانان در آمیخته شد و این آغاز ورودم به دنیای جنگ بود.

سعید فرجی ادامه داد: من به راوی جنگ در زندگی مسلمانان تبدیل شدم چرا که اگر ما خودمان تاریخ را روایت نکنیم، باید آن را از زبان دشمن بشنویم.

وی در ادامه به تجربیاتش در زمینه عکاسی و روایت داستان‌های انسانی اشاره کرد و گفت: «سعی کردم در دنیا سفر کنم و داستان‌های مردم را نقل کنم. متوجه شدم که مردم وهب رامزی عکاس و هنرمند نیز در نمایشگاه هنرهای معاصر درباره هویت فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های فلسطینی سخن گفت و از



سعید فرجی برای ساخت مستند «فریم‌های فلسطینی» قرارداتی کرد.

او همچنین درباره نمایشگاهی از آثار فلسطینی گفت: «تا پایان دهه‌ام، نمایشگاهی با عنوان «کلیدهای که عمرشان از صهیونیست‌ها بیشتر است» داریم. عکاسان گنج‌های پنهان را به تصویر می‌کشند و عکس‌ها خود به عنوان روایت خاموش سخن می‌گویند.»

رامزی همچنین اشاره کرد که عکس‌ها خود داستان‌ها را می‌سازند و ادامه داد: «ما درباره فلسطین و اهمیت آن آگاهی داریم، اما فلسطینی‌ها را نمی‌بینیم و نمی‌شناسیم مگر زمانی که مورد ظلم و جنایت قرار می‌گیرند.»

روزنامه صبح ایران / سال دهم – شماره ۱۶۱۲

۱۷ دی ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

فرهنگ و هنر

آرامش روح و روان از نگاه قرآن



دبیر پژوهشی روزنامه سراج

حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان

بر هر کاری توانا بوده و از رگ گردن به بنده اش نزدیک تر است و اگر انسان چیزی از او بخواهد، به او خواهد داد. ارتباط با خدایی که بر هر امری

قدرت دارد، انسان را امیدوار می‌کند. در سایه ایمان به خدا، سکون و آرامش جایگزین اضطراب‌ها و دلهره‌ها و ترس‌ها میشود و هر وقت مراتب ایمان کامل تر باشد و یاد خدا بیشتر در دل راه یابد، آرامش بیشتر و نگرانی کمتر می‌شود. تا آنجا که دلی که سرشار از محبت خداست و تعلق

و بستگی به چیزی و کسی غیر از او ندارد، هیچ اضطراب و نگرانی در آن در راه نمی‌یابد. قرآن و برنامه حیات بخش و نورانی آن، جامعه‌ا به سوی سلامت رهنمون می‌کند. آموزش شفا جویی از قرآن کریم، حقیقتی است که خداوند رحمان در متن قرآن بدان اشاره کرده است. خداوند در قالب آیات متعددی به سلامت فردی

و اجتماعی و در عین حال بهداشت جسمی و مشکلات شده و اضطراب و نگرانی را تجربه می‌کند و در برخی موارد نجات از آن خارج از توان انسان است. به عبارتی وارد آمدن فشار های فراثر از توانمندی آدمی، باعث اضطراب می‌شود. که تحمل آن در دراز مدت از توان انسان خارج است. بنابراین بهترین راه برای نجات از اضطراب و نگرانی دعا و نیایش با خدای سبحان و توکل به او و پناه بردن به قرآن است. چرا که ارتباط با خدا و دعا کردن موجب آرامش خاطر می‌شود. خدایی که

شهید غلامحسین رعیت که بود و چه کرد؟



برخلاف آثاری که در این سال‌ها در حوزه ادبیات دفاع مقدس منتشر شده، قالب داستان برای بیان ویژگی‌های شهید رعیت انتخاب کرده است. از سوی دیگر، شخصیت اصلی کتاب(ایاس)، شخصیتی خاکستری است. او در جریان قرار گرفتن در عملیات حفر کتان و با همراهی با شهید رعیت، دچار تحول روحی شده و شخصیتش به ثبات می‌رسد. میروپالایی درباره انتخاب این شخصیت به تسنیم گفت: در تحقیقاتی که درباره این شهید خاطر به این نتیجه رسیدیم که شهید رعیت دارای ویژگی‌های اخلاقی متعددی است؛ از خوش اخلاقی و مهربانی گرفته تا روحیه حمایتگری و همراهی. وی ادامه داد: در خلال نگارش کتاب «معبد زیرزمینی» به دنبال طرح شخصیتی بودم که در کنار شهید رعیت قرار گیرد و ویژگی‌های اخلاقی او را بازگو کند؛ در واقع به جای اینکه بخواهم بگویم شهید این ویژگی‌ها را داشت، با روایت داستانی مخاطب خود را به این نتیجه برسانم؛ که همین دلیل شخصیت‌یابی‌س را برای روایت داستان انتخاب کردم.

میروپالایی همچنین درباره چرایی انتخاب قالب داستان به جای زندگی‌نامه یا خاطرات نیز توضیحاتی داد و افزود: جامعه هدف من برای کتاب «معبد زیرزمینی» نوجوانان و جوانان بودند. از جمله ویژگی‌های این نسل این است که کم‌حوصله است، او مخاطب فضای مجازی است و دوست دارد با سرعت مطالب را دریافت کند؛ به همین دلیل قالب داستان را انتخاب کردم تا مخاطب نیز جذب آن شود و وقتی کتاب را به دست می‌گیرد، آن را بسر زمین نگذارد.

پس از انتشار خبر تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «معبد زیرزمینی» این اثر در فضای مجازی مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. انتخاب سوژه بکر در کنار شخصیت شهید رعیت و کار بزرگی که مقتی‌ها انجام داده بودند، از جمله ویژگی‌هایی بود که مورد مخاطبان در این مدت قرار گرفته است. میروپالایی درباره گمنامی شخصیت شهید رعیت در میان مردم یزد و قم گفت: شهید رعیت در میان مردم یزد شناخته شده هستند. پیشینه خود راوی و کارگی که ایشان کرده بود، سبب شده تا در رکن آباد و یزد شناخته شده باشند؛ اما در قم به بیمارستان صحرایی منتقل شد و ولی بعد از دو روز به شهادت رسید. شهید غلامحسین رعیت رکن آبادی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت سال ۶۲ در منطقه پاسکاه شهربانی به شهادت رسید و چند روز بعد در قم تشییع و در گلزار شهدای علی ابن جعفر(ع) به خاک سپرده شد. کتاب «معبد زیرزمینی» نوشته معصومه میروپالایی، که از سوی نشری جمکران منتشر شده، تلاش دارد در قالب داستانی خواندنی به شخصیت شهید رعیت و کار بزرگ مقتی‌های یزد در عملیات فتح‌المبین بپردازد. نویسنده

شجاعت از ویژگی‌های بارز شهید رعیت بود، او توانست با مدیریت مقتی‌ها، حفر کتان را به سرعت و با کمترین تلفات به اتمام برساند تا ایران دست برتر را داشته باشد.

حاج غلامحسین رعیت رکن‌آبادی مقتی کربلبد و ماهر ساکن قم است که اصالتاً اهل روستای رکن‌آباد میبد یزد است. او از طرف دفتر حاج آقای صدوقی، امام جمعه یزد، مأمور شد تا تعدادی مقتی را برای مأموریت ویژه حفر یک تونل مهم به جبهه ببرد و به همین خاطر به این روستاهای رکن‌آباد و مهرآباد می‌رود. رکن‌آباد و مهرآباد دو روستا در مجاورت یکدیگر و از توابع شهرستان میبد استان یزد هستند.

شهید رعیت سرپرست مقتی‌ها و بسیار پرکار و پرا انرژی بود، دریافت می‌خواستند و از صبح زود شروع به کار می‌کرد. به جای سربازها کار می‌کرد؛ دو سال با لشکر ۲۱ حمزه در ارتباط بود، ولی یک رمال حقوق نگرفت و حتی معمولاً از تمامه‌ده غذاها استفاده می‌کرد.

گاهی پیش می‌آمد که مقتی‌ها را قبل از اعزام به جبهه، به خانه ۳۷ متری‌اش در قم می‌برد و از آنها پذیرایی می‌کرد. شهید رعیت در خانه‌اش عکس زیبایی‌هایی که کتان فتح‌المبین را کشته بودند، داشت. آنها را نشان می‌داد و می‌گفت: این فلان جا شهید شد، آن یکی در فلان جا شهید شد ... ولی من مندم» و گریه می‌کرد. همسر شهید رعیت می‌گوید: حاج غلامحسین یکبار در جبهه زخمی شد، ولی نگذاشت کسی بهفهمد و در حالی که ترکش در بدنش بود، کار می‌کرد و وقتی برای آخرین‌بار به جبهه می‌رفت، به من می‌گفت: «من شهید می‌شوم و تو نباید از شواهد من ناراحت شوی. اگر ما به جبهه نرویم چه کسی به جبهه برود؟ ما باید همه برویم و تا پایان جنگ حضور فعال در تمام جبهه‌ها داشته باشیم.»

بعد از عملیات محرم در منطقه شرفانی ارتفاعی بود که وقتی نیروها می‌خواستند از یک دسته خود دستگیر برونند، مورد هدف تکتیراندازهای دشمن قرار می‌گرفتند؛ لذا تصمیم گرفته شد که از ایشان کمک گرفته شود. در هنگام بازدید از این منطقه و برنامه‌ریزی برای حفر تونل، خبره‌ای نزدیک‌ی ایشان فرود آمد و ایشان را مجروح کرد، بلافاصله به بیمارستان صحرایی منتقل شد و ولی بعد از دو روز به شهادت رسید. شهید غلامحسین رعیت رکن آبادی در تاریخ ۲۵ اردیبهشت سال ۶۲ در منطقه پاسکاه شهربانی به شهادت رسید و چند روز بعد در قم تشییع و در گلزار شهدای علی ابن جعفر(ع) به خاک سپرده شد.

کتاب «معبد زیرزمینی» نوشته معصومه میروپالایی، که از سوی نشری جمکران منتشر شده، تلاش دارد در قالب داستانی خواندنی به شخصیت شهید رعیت و کار بزرگ مقتی‌های یزد در عملیات فتح‌المبین بپردازد. نویسنده